

(196)

هوالبی

ای ورقه متضرعه الی الله در این عالم نسائی بیحد و بیحساب خارج از حد و شمار آمده‌اند که در نهایت مسرت و راحت بر بالین پرند و پرنیان آرمیده و باسایش جان و آرایش جهان ایام خویش را گذراندند ولی حال ملاحظه کن آن راحت و عزت را چه ثمری مشهود گردید و آن رفاهیت و مسرترا چه نتیجه‌ئی موجود سرابی بود فانی و اوهامی بود چون ظل زائل غیر باقی نه شکوه بلقیسی باقی ماند و نه جلوه زلیخائی و نه شوکت همائی و نه شهرت سائر ملکه‌های عالم ترابی پس تو ای ورقه مقدسه مطمئننه شکر کن خدا را که در سبیل الهی جمیع ایام را بمحنت و مشقت و زحمت و مصیبت گذراندی گاهی بمذمت و طعن و ملامت نساء مبتلا بودی و گهی بشماتت و مضرت اعدا گهی از دست ساقی قضا کأس بلا نوشیدی و گاهی بتالان و تاراج ستمکاران گهی خلیل جلیل را شهید سبیل الهی یافتی و گهی خانمان را از هجوم عوانان بر باد دیدی گهی بیسر و سامان بودی و گهی سر گشته کوه و بیابان چون جمیع این بلایا و رزایا در راه خدا واقع مقبول و مطبوع و محبوب ارباب قلوب است زهر هلاهلش شهید و شکر است و تلخی حنظلش شیرینی قند مکرر دردش درمان است و زخمش مرهم دل و جان " گر تیر بلا آید اینک هدفش جانها ور در عطا بخشد اینک صدفش دلها " باری علی العجالة تو گوی از میدان ربودی و بمقصود حوریات قدس در غرفات فردوس رسیدی چه که این ذلت را موهبت عظیمه در پی و این مصیبت را شادمانی بی‌پایان در عقب این تلخی را حلاوت حقیقی معین و این سم قاتل را دریاق اعظم مقدر عنقریب تلافی جمیع این آلام و محن در ملکوت تقدیس که منزله از ادراک نفوس است خواهد شد هر تیری را تأثیر صد هزار عنایت جمال منیر و هر کأس تلخی را صد هزار دریای حلاوت اثر بی‌نظیر فسوف ترین ثمرات هذه البلایا فی الملكوت الأبهی لعمر الله هذا حق معلوم بمثل ما انتم تنطقون جناب آقا میرزا مهدی علیه بهاء الله تکبیر برسانید و همچنین ورقه زکیه امة الله صغری خانم را و الهاء علیک علیه و علیها و علی کل امة آمنت بالله المهیمن القیوم (ع ع)